دوا میباشد. پس بوسیلهٔ قرآن از خداوند جلّ جلالهٔ شفا بخواهید و با دوستی قرآن به -
خداوند بزرگ نزدیک شوید. قرآن مشعلی است که نور آن خاموش نمی شود، چراغی
است که فروزندگیش فرو نمی نشیند، بحری است که عمق آن به تصور ما نمی آید،
راهی است که پایانش علاوه براینکه به گمراهی نمی انجامد، ضامن فلاح دارین نیز است،
نوری است که روشنی اش محوه کنندهٔ تاریکی ها است. پس درحالیکه مسلمانان چنین
رهنمائی داشته باشند لازم است طبق اوامر آن رفتار نموده و از نواهی آن
پرهیز نمایند.

وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

پیغمبر نمیگوید از خواهش نفس، نیست گفتارش مگر وحی که بر او فرستاده میشود.

حدیث حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده اند :

هر کس در دنیا از مسلمانان مشکلی را دور سازد، خداوند جل جلاله مشکل بزرگی از مشکلات روز قیامت او را دور میکند.

کسیکه با تنگدست سهولت کند ، خداوند ج، در دنیا و آخرت با او سهولت - می کند ، کسیکه عیب مسلمان را بپوشاند ، خداوند ج، عیوب وی را در روز قیامت میپوشاند. هر که در معاونت برادر مسلمان خود باشد ، خداوند ج، مددگار او است. کسیکه در صدد جستن راه علم باشد خداوند ج، وسایل دخول -

جنت را برایش مهیا می نماید، و هر جمعیتی که برای تلاوت قرآن کریم در مسجد و یا جای دیگری گرد آیند، رحمت خداوند ج، شامل حال شان گردیده اطمینان روحی و باطنی برای ایشان میسر می گردد و فرشته های رحمت دور ادور شان می ایستند و خداوند ج، آنها را در زمرهٔ ملاء اعلی یاد میکند.

کسیکه پس انداخت او را فقدان عمل نیکش سبب پیش رفت او نمی گردد.

بندهٔ عشق شدی ترک نسب کن "جامی"
که درین راه فلان بن فلان چیزی نیست

"مسلم"

معنیٰ	لغات
سخن حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم	۱۔ حدیث
آسانی	۲۔ سہولت
کمک	۳۔ معاونت
قصد و عزم	٤۔ صدد
جمع وسیلہ	۵۔ وسایل
تہیہ شدہ	٦۔ مہیا
حاصل، آسان کردہ شدہ	۷۔ میسر
عالم بالا	۸۔ ملأ اعلیٰ
گم شدن	۹۔ فقدان
پسر، فرزند	۱۰۔ ابن

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

نیست مومنان که برآیند تمامی به جهاد و پی علم، پس چرا بیرون نروند از هر فرقی از ایشان گروهی تا دانائی حاصل نمایند در دین و برای آنکه بترسانند قوم خود را چون بازگردند سوی ایشان تا به ایشان بترسند.

پاره ۱۱ سوره التوبه آیه ۱۲۲

علم

جنس هدایتی نخرید از دکان علم — حرف حقیقتی بشنوید از زبان علم
وابسته است به علم امورات هر دو کون — ظاهر نمودم اینقدرت از نهان علم
دستاربند دار علوم جهان شوی — چون کامیابی یابی تو از امتحان علم
خواهی که در لحد نکشی آه انفعال — با خود بزیر خاک ببر ارمغان علم
مرغ دل تو زنده جاوید میشود — سازی اگر به سینه خود آشیان علم
از خوف رهزنان تو به امن و امان شوی — گر وارسی به بدرقه کاروان علم

ای عشقری باین دو سه ابیات خود ممتاز
باشد تمام روی زمین قدردان علم

مرحوم عشقری رحمة الله علیه

لغات		معنیٰ
۱ـ علم		دانش
۲ـ هدایت		رهنمائی
۳ـ امورات		کارها
۴ـ دار علوم		مدرسه
۵ـ امن وامان		بی خوف بودن
۶ـ بدرقه		رهنمائی

درس فوق را به نثر تبدیل سازید

یکی از خطبه های فاروق اعظم (رض) به مامورینش

آگاه باشید من شما را امیر و سختگیر مقرر نکرده ام، بلکه امام ـ هدایت مقرر کرده ام که مردم شما را پیروی بکنند، شما باید که حقوق مردم را ادا کنید، و آنها را لت و کوب نکنید که ذلیل می شوند، و تعریف بیجا هم نکنید که در مغالطه مبتلا نشوند، و درهای خود را بروی دادخواهان مبندید که زبردستان آنها را نخورند، و خود را در هیچ امر بر آنها ترجیح ندهید که درین صورت بر آنها جفا روا داشتن است.

معنی	لغات	معنی	لغات
در غلط انداختن	۵ـ مغالطه	پند و نصیحت وعظ و خطابه	۱ـ خطبه
گرفتار	۶ـ مبتلا	فرق کننده	۲ـ فاروق
برتری دادن	۷ـ ترجیح	بزرگتر	۳ـ اعظم
ظلم و ستم	۸ـ جفا	پیشوا	۴ـ امام

حکایت

آورده اند که نوشیروان عادل در شکارگاهی صیدی کباب میکرد، نمک نبود، غلامی به روستا رفت تا نمک آرد. نوشیروان گفت: نمک به قیمت بستان تا رسمی نشود و ده خراب نگردد. گفتند: ازین قدر چه خلل آید؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است هر که آمد بر او مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده.

اگر از باغ رعیت ملک خورد سیبی
بر آورند غلامان او درخت از بیخ
به نیم بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ

لغات		معنیٰ
۱- روستا		قریه
۲- بستان		بگیر
۳- خلل		فساد- نقصان
۴- مزید		فزونی
۵- بیضه		تخم
۶- رعیّت		عموم

نتیجهٔ حکایت فوق را شاگردان بقلم خود در کتابچه های خود بنویسید.

گریستن افلاطون از ستایش نادان

گفت اندر پیش افلاطون کسی | کان فلانی حمد میگفتت بسی
در هنر بستود بسیاری ترا | با فلک بنهاد مقداری ترا
زان سخن بگریست افلاطون بدرد | روی آورد از سر دردی بمرد
گفت میگویم که در دل مشکلیست | تا چه کردم کان پسند جاهلیست
هرچه باشد مرد نادان را پسند | مرد دانا را بود آن تخته بند
می ندانم تا پسند او چه بود | تا از آن توبه کنم در حال زود

یک ستایش کان ز جاهل آیدم
صد عقوبت دان که حاصل آیدم

(مصیبت نامه عطار)

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الآخرة وهو الحکیم الخبیر

حمد مر خدای آن کس را که برای اوست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت و او درست با حکمت آگاه.

حمد

از ملک تا انس و جان در امر و فرمان تواند — از معانی تا صور مضمون عرفان تواند
عالم عقلی و وهمی هرچه هست در کاینات — در خفی و بر ملا هر جا ثناخوان تواند
دیدن و بوئیدن و بشنیدن و احساس و لمس — هم زبانها در سخن از لطف و احسان تواند
جسم ها جان از تو یابد دل ز تو بینا شود — بلبلان در گلستان مست و غزلخوان تواند
بر امید نصرت غیبی مجاهد سر بسر — هر کجا سینه به خنجر داده قربان تواند
تشنه کامان شهادت بسملند اندر طپش — خون چکان در انتظار عهد و پیمان تواند

لغات		معنیٰ
۱۔ ستایش		ستودن و توصیف کردن
۲۔ حمد		ثنا و ستایش مخصوص خداوند جل جلالهٗ
۳۔ بستود		تعریف و توصیف نمود
۴۔ مقدار		اندازه و قدر
۵۔ تخته بند		حبس و قید
٦۔ عقوبت		عذاب

خلاصهٔ مفهوم درس فوق را شاگردان بنویسید ۔

علامه گذاری

علامه گذاری عبارت از بکاربردن یکعده نشانه ها درنوشته بغرض وقفه درآواز وبهتر فهماندن مقصود است، هدف مهم علامه گذاری صراحت ووضاحت است.

۱- نقطه(.) در اخیر جمله های که سوالیه و ندائیه نباشد گذاشته می شود مثلاً سعی وکوشش انسان را درزندگی پیروز میگرداند.

۲- علامت سوالیه(؟) در آخر جملهٔ سوالیه استعمال میشود مثلاً: آیانمیدانید که تلفات شوروی درافغانستان تاچه اندازه رسیده است؟

۳- علامت ندائیه(!) درمورد ذیل استعمال میگردد مثلاً خدایا! مارابراه راست هدایت کن و برای اظهار تعجب نیزبکارمیرود. مثلاً عجب سخنی! آیا راست میگوئی؟ وهمچنان برای اظهار تأثر یا کلمه های آه، آخ، دریغا، حسرتا استعمال می شود.

مثلاً آه ! هنگام سفر دوستم را ندیده رفتم، و برای اظهار خوشی و حالات ناگهانی نیز بکار برده می شود. مثلاً : اوه ! از دیدن شما در سنگر جهاد چقدر شادمان شدم. و برای تمسخر و استهزاء در آخر جمله ای که بصورت جدی باشد بکار میرود. مثلاً : در باره شوروی ظالم و تجاوزگر چنین گفتنی (شوروی خیراندیش ترین ممالک جهان است برای آسودگی بشر !)

۴- فاصله یا کامه (،) برای جدا کردن کلمه ها یا فقره هائی که از پی همدیگر بیایند استعمال می شود، وهم چنان برای جدا کردن دو یا سه بخش یک جمله نیز بکار میرود. مثلاً : نیکوکاری خصلت مؤمنان است ، یا : دریغا عمر ، که عنان گشاده رفت .

۵- شارحه یا دو نقطه (:) درعنوان کنار صفحه بکار برده می شود مثلاً معلم ما میگفت : همیشه صادق و راستکار و وظیفه شناس باشید .

لغات		معنی
۱- وقفه		استادن
۲- هدف		نشانه وغرض ومقصد
۳- تمسخر		نیشخند میخزه کردن
۴- دریغا		افسوس
۵- عنان		جلو
۶- شارح		شرح دهنده

هجرت حضرت عمر فاروق (رض)

حضرت عمر فاروق رضی الله تعالی عنه درمیان صحابه کرام یکی از بزرگترین شخصیت های اسلام است که مسلمانان جهان به وی افتخار می نمایند. در ابتدای اسلام زمانیکه مسلمانان از طرف مشرکین اذیت می شدند، آن حضرت (ص) برای تقویت اسلام مسلمان شدن حضرت عمر «رض» را از خداوند (ج) خواسته بود، دعای شان مقبول گردید. حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنه میفرمایند.

ما زمانی توانستیم نزدیک کعبه نماز بخوانیم که حضرت عمر (رض) مسلمان شد.

حضرت علی کرم الله وجهه میفرمایند:

در ابتدای اسلام هر شخص پنهانی هجرت میکرد، ولی وقتیکه

حضرت عمر رض، اراده هجرت کرد شمشیر را به کمر بست وکمان را بدست گرفت وتیرهای زیاد با خود گرفته اول به خانه کعبه رفته طواف نمود، با نهایت اطمینان نماز خواند بعد از آن به طرف کفار رفته برای شان اعلان نمود، هر کس دلش میخواهد که مادرش بروی گریه کند، و زنش بیوه شود، و فرزندانش یتیم بمانند، از مکه بیرون آمده با من مقابله کنند. بعداً بسوی مدینه منوره به قصد هجرت روان شد، کسی جرئت نکرد که جهت مقابله دنبال وی روان شود.

معلم صاحب حکایت هجرت حضرت عمر رض، را با نتیجه آن به شاگردان توضیح نماید.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۶۹﴾

و آنانکه کوشش کردند برای ما [در راه ما] هر آینه نشان میدهیم بایشان
راه های خود را و هر آینه خدا با نیکوکاران
است .

فضایل جهاد

جهاد کوشش نهایت عظیم و بزرگ جهت اعلای کلمة الله است ما
که ثمرهٔ آن شامل ساختن همه دساتیر اسلام در تمام زوایای زندگی
انسانها می باشد ، و باعث حاکم نمودن دستور خداوندی و بهبودی
و آرامش همه انسانها در روی زمین میگردد .

بلی جهاد است که به وسیلهٔ آن انسان از پرستش غیر به
پرستش خدای یگانه و خالق همه موجودات دعوت و رهنمائی -
می شود ، و از تمام بندگی و غلامیها و وابستگی های غیر

خدای نجات یافته، و زمینه درست زیستن و زندگی کردن را مهیا می سازد.

بهمین منظور است که خداوند (ج)، این امر نیک را بالای مسلمانان فرض گردانیده و حکم قاطع صادر نموده است تا تمام وسایل و قید و بند های که شما را مانع از عبادت و پرستش او تعالی میسازد، از میان برداشته با قلب مطمئن پر از ایمان، زندگی خویش را ادامه دهید.

فضیلت و ثواب مجاهد فی سبیل الله بیشتر است از ثواب هفتاد سال عبادت در خانه اش.

خداوند (ج)، و پیغمبر جلیل القدرش (ص)، درین مورد فضائل زیادی را به مجاهدین فی سبیل الله بیان نموده اند.

پس ما مسلمانان توفیق از خداوند (ج)، می خواهیم

که به ما شایستگی و فضایل جهاد را نصیب کند. اگر جهاد در راه خداوند جل جلاله فضایل دارد ، بهمان اندازه ای راه خطیر و باریک هم است . اگر یک مسلمان بنام جهاد سلاح گرفته ، اما در اعمال وعبادات خویش از فرمان خدا ج سرکشی می نماید ، این مسلمان سلاح دار از فضایل جهاد بهره مند نخواهد شد ، چرا که جهاد وسیله و راه رسیدن برضای خداوند ج بوده و رضای خداوند ج ، وقتی حاصل میشود که طبق دستور و فرمان های او تعالی جهاد کرده شود ، در غیر آن باعث ذلت دنیوی و اخروی خواهد شد .

معنی	لغات	معنی	لغات
لا اله الا الله	۴ـ کلمة الله	خوبی ها	۱ـ فضایل
جمع دستور ، هدایت	۵ـ دساتیر	کوشش و جنگ کردن در راه دین حق	۲ـ جهاد
نجات ، کامیابی	۶ـ فلاح	بلند گردانیدن	۳ـ اعلاء

لغات	معنیٰ
۷۔ صادر	بیرون رونده، اشیای که از یک مملکت به مملکت دیگر میرود (در اینجا فرستاده شده.)
۸۔ جلیل	بزرگ مرتبه ویا بزرگوار محترم
۹۔ خطیر	(خطرناک)
۱۰۔ اوتعالیٰ	خداوند جلّ جلالهُ

هست بیرنگ دیده ات خونبار و گریان انتظار
تا بگوشش آید که روسان غرق طوفان تواند

استاد «بیرنگ»

لغات	معنی
۱- انس	انسان
۲- جان	جن
۳- صور	صورت ها
۴- عرفان	خداشناس
۵- کاینات	موجودات
۶- خفی	پوشیده
۷- بر ملا	آشکار شدن
۸- احساس	حس کردن دریافتن

لغات	معنی
۹- لمس	دست مالیدن بچیزی
۱۰- بسمل	نیم کشته، حلال
۱۱- نصرت	یاری کردن
۱۲- طوفان	آب زیادی که ناگهان زمین را گیرد و غرق کند- یا باد شدید.

بی بی سمیه (رض)

درآن زمانی که ابر های سیاه ظلم وفساد، افق نیلگون عالم انسانی را تاریک ساخته بود، سمیه کنیز رنجکشیدهٔ که سالها قبل ابوجهل او راخریده بود ، درمیان مردم حجاز میزیست . او ازهمان وقتی که چشم به جهان گشود، جز زندگی برده‌گی چیزی دیگری راندیده بود.

بی بی سمیه باغلامی که نامش « یاسر» بود ازدواج کرد. شوهرش نیز دردها و مشکلات زیادی رادیده بود . آنها صاحب فرزندی شدند که نام او را «عمار» گذاشتند. این خانواده ازجمله برده‌گان ابوجهل بودند وهمیشه در خدمت او قرار داشتند. درچنین زمانی بود که خورشید اسلام طلوع کرد، وباروشنایی

ملایم خود زندگی سرد و پر مصیبت مردم را حرارت تازه بخشید. شوری در مکه معظمه برپا شد. همه جا مردم باهم جمع می شدند و از حضرت محمد صلی الله علیه وسلم سخنها می گفتند. از دعوتش و سخنان گیرائی که در زمینهٔ نجات عالم بشریت میگفت، استقبال میکردند.

بردگان برای نخستین بار شاهد بودند که کسی ایشانرا انسان می پندارد و آنها را با آزادگان برابر و برادر میداند. آنها باخود می گفتند، «آیا ممکن است روزی بردگان نیز همچون مردم آزاد وشرافتمند در بین جامعه حقوقی داشته باشند؟»

همان بود که سمیه به حضور این پیغمبر (ص)، بزرگ شتافت و ایمان آورد. سمیه که شوهرش و پسرش نیز این دعوت حق را پذیرفته بودند تا پای جان از دین مقدس اسلام دفاع مینمودند.

ابوجهل با دار خونخوارش که از دشمنان سرسخت دین اسلام بود ، همین که فهمید سمیه وشوهرش مسلمان شده اند ، به تعذیب وحشیانهٔ این خانوادهٔ مسلمان آغاز کرد ، و در وقت گرمی آفتاب ایشانرا روی ریگهای داغ میخوابانید وشلاق میزد. سمیه با ایمان قوی در برابر این همهٔ شکنجه ها حمی برابرو نمیآورد. شاید در تاریخ اسلام کمتر کسی مثل سمیه شکنجه دیده باشد ، روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از بیابانی می گذشتند ، ناگاه نظرشان راصحنهٔ دلخراش تعذیب اعضای این خانواده به خود جلب کرد. آن حضرت صلی الله علیه وسلم دیدند که سمیه را باشوهر وفرزندش روی ریگ زار های داغ خوابانیده اند وشلاق میزنند.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم از دیدن این وضع خیلی متأثر

شدند و به ایشان گفتند. "خانواده یاسر! صبر کنید جای شما به بهشت است."

وقتی شکنجه ها به اوجش میرسید سمیه با زمزمهٔ کلمه توحید بر-ثباتش میافزود. و با تلاوت آیات قرآنی از شدت رنجها و شکنجه هایش میکاست. بالاخره روزی ابوجهل، این جانی بزرگ که در برابر ثبات و مقاومت سمیه به زانو در آمده بود، این زن بزرگوار را کشان کشان به میدان مکه معظمه برد و در حالی که اکثریت مردم مکه معظمه را فراخوانده بود و همه حاضر بودند، برای آخرین بار در محضر همه، از سمیه خواست تا دینش را ترک گوید و در برابر خدایان-باطل سر تسلیم نهد، ورنه به زندگی اش پایان خواهد داد.

سکوت مرگباری هرجا را گرفته بود. همه منتظر بودند تا این-کنیزی که چندی قبل جرأت سخن گفتن در مقابل بادارش را-

نداشت اکنون چی میگوید : ناگاه برقی درچهرهٔ زعفرانی
سمیه تابید . بعداً به آواز بلند ندای توحید را سرداد ،
ندایی که لرزه بر تهداب ظلم وستم مردم ظالم می افگند . هنوز
فریاد ملکوتی اش به پایان نرسیده بود که ابوجهل با بی رحمی
بر او حمله برد و باتیغ دست داشته اش او را شهید -
ساخت ، شربت شهادت را نوشید انالله وانا الیه راجعون و -
اسم خود را زیرعنوان نخستین شهید راه جهاد اسلامی در
تاریخ بیادگار گذاشت .

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَاتًا ؕ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۝

گمان مکنید کسانی را که کشته شده اند در راه خدا ج، مردگان، بلکه زندگانند نزد پروردگار شان روزی داده میشوند.

شهید کیست

مسلمانی که در راه خدا جل جلاله، برای اعلای کلمة الله از جانب دشمنان دین و یا از جانب شخص مسلمان ظلماً کشته شده باشد، شهید گفته می شود.

شهید نزد خداوند جل جلاله مقام عالی و برجسته داشته، زیرا تمام مال و جان خود را در راه خدا جل جلاله وقف و تا آخرین لمحات زندگی بخاطر رضای خداوند جل جلاله جنگیده و از هیچ گونه سعی و کوشش دریغ نه نموده چنانچه از انس بن مالک رضی الله عنه، روایت شده۔

- که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده : وقتیکه شخص در جنت داخل شود ، پس نمی خواهد بدنیا بیاید ، مگر شهید ، که ده مرتبه آرزومند است به دنیا آید و دوباره شهید شود ، زیرا که می بیند عزت و ثواب شهادت را .

حدیث دیگر از ابو هریره (رض) روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده : قسم است به ذاتی که جان ما در قبضه اوست من این را زیادتر پسند دارم که در راه خدا ج کشته شوم و پس زنده شوم ، بازکشته شوم و دوباره زنده شوم . اما اگر مسلمان از روی اوهام و آمال شخصی و به قصد مال و جاه و تحریکات نفسانی جنگ کند و کشته شود ، شهید گفته نمی شود ، و ازین مقام عالی بی نصیب میگردد .

(۱) از پای تا سرت همه نور خدا بود (ع)

گر در ره خدای تو بی پا و سر شوی

معنیٰ	لغات
کشته شده راه خدا ج،	۱- شهید
ترس ها	۲- اوهام

---

(۱) فرد آخر عنوان فوق را شاگردان به عنوان تطبیق داده ، تشریح نمایند .

هفت ثور ۱۳۵۷

فاجعه هفتم ثور سال ۱۳۵۷ هـ ش یک فاجعه نهایت غم انگیز و دردناک درجهان اسلام میباشد. در این روز یک گروه لینن پرست به دستور حزب کمونیست روسیه، کودتای ننگین را براه انداختند. این گروه از زمان رویکار آمدن امان الله به بعد در افغانستان شروع به فعالیت نموده، که در وقت زمامداری محمد ظاهر شاه یک تعداد اشخاص خودفروش و ملحد بنام خلق و پرچم وغیره گروه های بیدین به نشر و پخش عقیده کمونیستی "خداناشناسی" طور علنی شروع کردند، تا بتوانند از این راه مردم را فریب بدهند و عقیده فاسد خود را بالای مردم افغانستان حاکم سازند. اما مردم مسلمان افغانستان به مجردیکه بردن -

به این نقشه فاسد شان شروع به فعالیت جدی نموده
تا آنکه کمونیست ها مجبور شدند که نقشه شوم خود را بوسیله کودتا
بتاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ توسط داؤد سفاک به راه انداختند
وصاحب قدرت شدند، وتقریباً طی مدت پنج سال حکومت
داؤد خونخوار عده زیادی از جانبازان نهضت اسلامی راشهید
و عدهٔ رازندانی کردند. اما مسلمانان افغانستان رااین فشار و
تشکنجه آرام ساخته نتوانست وخشم مسلمانان روز به روز زیادتر
میشد، تاآنکه روسیه بتاریخ هفت ثور ۱۳۵۷ غلام حلقه بگوش
دیرینه خود تره کی را با دار و دسته کمونستش به قدرت رساند،
بعد ازاین روز جدوجهد خداپرستان درهمه گوشه وکنارمملکت
شدت پیداکرده و روزبروز انقلابیون مسلمان قوی تر ونیرو-
مندتر شدند، تا اینکه روسها بار دیگر تره کی را بواسطه غلام

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ ۙ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۚ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ط

و چون دیدند مسلمانان لشکرها را گفتند این همان است که وعده داده بود ما را خدا و پیغمبر او (ص) و راست گفت خدا و رسول او (ص) و نیفزود ایشان را آنچه دیدند مگر ایمان و تسلیم.

پاره ۲۱ آیه ۲۱ سورة الاحزاب

نعت شریف

بعد ازین گوئیم نعت مصطفی — آنکه عالم یافت از نورش صفا

سید الکونین و ختم المرسلین — آخر آمد، بود فخر الاولین

آنکه آمد نه فلک معراج او — انبیاء و اولیاء محتاج او

شد وجودش رحمةً للعلمین — مسجد او شد همه روی زمین

صد هزاران رحمت جان آفرین — بر وی و بر آل پاک طاهرین

دیگرش حفیظ الله سرنگون ساخت. چون این وضع هم به نفع شان تمام شد، او را ناچار سرنگون نموده ببرک را بتاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ با عساکر زیاد روسی داخل افغانستان نمودند، و زمام امور را مستقیماً روس ها بدست گرفتند، که تا امروز مردم مسلمان و مجاهد ما در هر نقطهٔ از کشور با ایمان کامل بمقابل روسها و غلامان شان مصروف جهاد می باشند، ما یقین کامل داریم که انشاءالله در این جهاد مقدس موفق می شوند وکشور ما افغانستان را از چنگ ظالمان روسی و غلامان شان آزاد می سازند و بیاری خداوند ج، تا حاکم نمودن قانون الهی از جهاد دست نخواهند کشید.

شماره	لغات	معنی
۱	نهضت	ترقی و پیشرفت
۲	جد و جهد	کوشش و رنج بردن
۳	موفق	کامیاب

هدایات سودمند

۱. گفتار و کردار همه باید موافق ادب باشد.

۲. یاری رسانیدن به مظلوم نزد خداوند ج، ثواب زیاد دارد.

۳. خداوند بزرگ آن شخص را دوست دارد که به آزار همسایه اش نپردازد.

۴. خداوند بزرگ (ج) در کارها نرمی و ملایمت را دوست دارد.

۵. در حدیث شریف آمده است که خداوند ج، در روز قیامت یکی از بنده گان خود را میگوید:

ای پسر آدم! من مریض شدم و تو مرا عیادت نکردی بنده در -

جواب میگوید : ای پروردگار ! چگونه ترا عیادت مینمودم، در حالیکه تو پروردگار عالمیان هستی ؟ خداوند ج میفرماید: آیا ندانستی که فلان بنده من مریض شده بود؟ پس تو وی را عیادت نکردی ! آیا نمیدانستی که اگر تو او را عیادت مینمودی، یقیناً رضاء مرا نزد وی می یافتی ؟

ای پسر آدم ! از تو طعام خواستم و تو مرا طعام ندادی .
بنده در جواب میگوید: ای پروردگار ! چگونه ترا طعام میدادم حال آنکه تو پروردگار عالمیان هستی ؟ خداوند ج میفرماید: آیا ندانستی که فلان بنده من از تو طعام خواست و تو او را طعام ندادی؟ آیا ندانستی که اگر تو وی را طعام میدادی یقیناً ثواب آنرا نزد من می یافتی ؟

ای پسر آدم ! من از تو آب خواستم و تو مرا آب ندادی ،

بنده در جواب میگوید: پروردگارا! چگونه ترا آب میدادم -
حال آنکه تو پروردگار عالمیان هستی؟ خداوند ج میفرماید: -
فلان بنده من از تو آب خواست و تو وی را آب ندادی
اگر تو به وی آب میدادی یقیناً اجر آنرا نزد من می یافتی.

" مسلم "

معلم صاحب مفهوم حدیث شریف را به شاگردان طور مشرح بفهماند که خداوند ج،
از مریضی - خوردن ونوشیدن مبراء است.

وطن ! سلام بتو

وطن ! اگر امروز بدست روسها و غلامان حلقه بگوش - کمونیست شان ویران شده ئی ، ولی فردای آن بدست - فرزندان مؤمن و وفا دارت ، بیاری خداوند ج ، از وجود کثیف کمونیست ها پاک و دوباره آباد خواهی شد .

وطن ! فرزندان اصیلت ، خواسته های پلید طاغوتیان را از بین برده و رهسپار دیار عدم می کنند .

وطن ! رزمنده گان جان برکفت ، پیروزی حق بر باطل - را عملاً به اثبات رسانیده اند .

وطن ! امروز سنگرهای برحق تو انسان را درس پایداری -

میسید و هر سنگ دره های زیبایت آئینه دار قهرمانی و -
قربانی های مجاهدین مؤمن است .
هوایت مملو از دود و آتش و خاک بوده، آواز گلوله های خدا
پرستان و غرش تانک های باطل پرستان آرامش شبت را
برهم میزنند .
آبشار هایت، پاکی دلیران راه حق و حقیقت را زمزمه میکنند .
در موسم بهارت لاله ها با رنگ سرخ خاطره های همیشگی -
شهیدان گلگون کفن ترا با قلب داغدار تجلیل مینمایند .
بارانت، ریختن اشک بیوه زنان و مادران رنج کشیده را -
بیان میکند که شوهران و فرزندان شان قربانی هوس فرومایه گان
شده اند .
تابستانت، پیام آور تشنگی عاشقان جان برکف راه حق
است .

خزانت، داستان حالت پژمردهٔ یتیمان را حکایت میکند.

زمستانت، با درختان بی برگ و بار،از زندگانی آواره‌گان بی سرپناه و برهنه ترجمانی میکند. ستاره های بی شمار آسمانت، تعداد شهیدان به خون خفته ات را در نظر مجسم میسازند که گلوله های دشمن ملحد بدنهای پاکشانرا سوراخ ـ سوراخ کرده است.

غرش رعد آسمانت، بر اعمال ننگین خلقی ها و پرچمی ها و باداران شان نفرین میفرستد. وطنیکه چراغ شب های تاریکش آتش مرمی ها و بم های جلادان ملحداست.

وطنیکه انسان را درس عبرت میدهد و در آغوش پرمهرش مجاهدین را جاه داده، می پروراند و آنها را پروبال میدهد تا بسوی جهان ابدی پرواز نموده و به ارمان اسلامی و انسانی ـ شان نائیل آیند، افغانستان عزیز است.

زنده باد وطن محبوب ما افغانستان اسلامی

لغات	معنی	لغات	معنی
۱. کمونیست	خداناشناس	۱۱. گلگون	سرخ رنگ
۲. بیاری	به کمک	۱۲. فرومایه	پست
۳. کثیف	ناپاک	۱۳. برهنه	لچ
۴. طاغوتیان	شیطان‌ها	۱۴. آواره	بی خانه، بی سرپناه
۵. پلید	مردار	۱۵. به خون خفته	به خون خوابیده
۶. رهسپار	روانه	۱۶. ننگین	شرم آور
۷. دیار	خانه	۱۷. نفرین	دعای بد ضد آفرین
۸. عدم	نابودی	۱۸. جلادان	آدمکشان
۹. رزمندگان	جنگجویان	۱۹. آغوش	بغل
۱۰. زمزمه	خواندن آهسته- آواز آهسته	۲۰. جهان ابدی	مراد از آخرت است

لغات		معنیٰ
۲۱- نائل		به هدف رسیدن
۲۲- محبوب		دوست

حکایت

دید یک شب بخواب عبد الله ❊ پدر خویش را عمر ناگاه ❊
گفت کای میر عادل خوشخوی ❊ حال خود با من این زمان برگوی
با تو ایزد چه کرد برگوی حال ❊ بعد از این مدت دوازده سال
گفت از آن روزگار تا امروز ❊ در حسابم کنون شدم پیروز
کار من صعب بود با غم و درد ❊ عاقبت عفو کرد و رحمت کرد
گوسفندی ضعیف در بغداد ❊ رفت بر پل و ناگهان بفتاد
گشت رنجور و پای وی بشکست ❊ صاحب وی بدامنم زد دست
گفت انصاف من بده بتمام ❊ که تو بودی امیر بر اسلام
تا بامروز من دوازده سال ❊ بوده ام مانده در جواب و سوال
ای ستوده شده نیکو کردار ❊ باز پرسند از تو این حقدار

آنکه شد یارش ابوبکرؓ و عمرؓ — از سر انگشت او شد شق قمر

صاحبش بودند عثمانؓ و علیؓ — هر آن گشتند در عالم ولی

آن یکی کان حیا و حلم بود — وان دگر باب مدینه علم بود

آن رسول الله که خیر الناس بود — عم پاکش حمزهؓ و عباسؓ بود

هر دم از ما صد درود و صد سلام

بر رسول و آل و اصحابش تمام

(عطاء رح)

لغات	معنی
۱۔ نعت	وصف کردن و صفت کردن
۲۔ مصطفیٰ	برگزیده شده یکی از القاب محمد ص
۳۔ سید	سرور و آقا و بزرگ
۴۔ کونین	هر دو دنیا
۵۔ ختم المرسلین	آخرین پیغمبران
۶۔ فخر	نازیدن و بالیدن

لغات	معنی
۷۔ معراج	بالا رفتن
۸۔ اولیاء	بندگان مقرب درگاه خداوندی (ج)
۹۔ رحمة للعلمین	رحمت بر عالمیان
۱۰۔ آل	خاندان
۱۱۔ طاهرین	پاکان
۱۲۔ قمر	مهتاب

چون چنین بُد خطاب با عمری
چه رود روز حشر با دگری .

" حدیقهٔ سنائی غزنوی "

لغات	معنیٰ
۱ـ میر	مخفف امیر
۲ـ صعب	کار سخت
۳ـ ستوده	تعریف کرده شده
٤ ـ حشر	روز قیامت
۵ ـ خطاب	سخن که روبرو بکسی گفته شود .
٦ ـ مقدار	اندازه
۷ـ پیروز	کامیاب
۸ ـ ایزد	خداوند ج
۹ ـ عفو	بخشش

حضرت عبدالله چگونه خواب دید و حضرت عمر رضی الله تعالی عنه در جواب چه فرمود هریک از شاگردان بنوبهٔ خویش موضوع را به همصنفان خود تشریح کنند .

حضرت آدم علیه السلام

نخستین بشری که خداوند جلّ جلاله او را آفریده و پیامبری برگزیده ما حضرت آدم علیه السلام میباشد. حکایت خلقت و چگونگی دورهٔ زندگی شان، در بسیاری از کتب و روایات آمده است.

بهترین مرجعی که بر خلقت و حقانیت آن ناطق است، قرآن مجید است. خداوند متعال اراده فرمود تا انسان را در روی زمین بیافریند و او را خلیفه خود گرداند چون فرشتگان بر این اطلاع یافتند عرض کردند: "آیا کسی را خلیفه میگردانی که فساد می کند و خون میریزاند، در حالیکه ما به تسبیح و تقدیس تو می پردازیم".

خداوند ج، فرمود: "من چیزی را میدانم که شما نمیدانید."

وخداوند جل جلاله آدم علیه السلام را از گل آفریده و در وی از روح خود دمیده، و به او نامهای همه چیز را آموخت. بعد از آن آنها را به ملائک عرضه داشت، تا نام آنها را بگویید، ایشان از ذکر نام آنها عاجز ماندند، خداوند جل جلاله، آدم (ع) را مامور ساخت تا نام آن چیزها را تذکر دهد.

وقتیکه آدم علیه السلام نام اشیا را بصورت صحیح گفت. فرشته ها به بزرگی مقام وی پی برده، به امر خداوند (ج) سجدهٔ احترام در مقابل او بجا آوردند. پس از آن حوا رضی الله تعالی عنها را آفرید، و هر دو در بهشت به خوشی و آرامی زندگی میکردند، در آنجای پاکیزه از تمام میوه ها و خوراکه ها استفاده میکردند.

خداوند (ج)، آدم (ع) و حوا (رض) را تنها از نزدیک شدن واستفاده از یک درخت مخصوص منع ساخت. ولی ایشان با ترو سوسه شیطان از درخت ممنوعه نیز خوردند، لذا خداوند (ج) ایشان را بسبب همین لغزشی که از آنان سرزد، از بهشت بیرون کرد.

مدتی حضرت آدم علیه السلام و بی بی حوا رضی الله تعالی عنها در روی زمین سرگردان و به توبه و زاری مشغول بودند، تا آنکه خداوند جل جلاله توبه آنها را پذیرفت.

حضرت آدم علیه السلام از طرف خداوند (ج)، بحیث پیامبر بزرگ برگزیده شد، و برای او صحیفه ها از طرف خداوند (ج)، نازل شدها و درین صحیفه ها آمده است که از طرف خداوند جل جلاله برای اولاد آدم علیه السلام "پیامبرانی می آیند، تا مردم را بسوی راه راست فرا خوانند، کسانی که ازین رهنمود ها پیروی کنند، رستگار می شوند و در زندگی بعد از مرگ به بهشت میروند، و آنهائی که این رهنمود ها را پیروی نکنند، در آخرت به عذاب خداوند (ج) گرفتار می شوند.

معنیٰ	لغات
اولین	۱ـ نخستین
استوار و محکم	۲ـ راسخ
سبحان الله گفتن	۳ـ تسبیح
به پاکی یاد کردن	٤ـ تقدس
پیش کردن	۵ـ عرضه
تحریکات شیطانی	٦ـ وسوسه
نامه و کتاب	۷ـ صحیفه

تمرین

۱ـ حضرت خداوند «ج»، آدم علیه السلام را از چه آفرید؟

۲ـ ملائکه قبل از آفریدن آدم علیه السلام بخداوند «ج»، چه گفتند؟

۳ـ چه باعث شد که حضرت آدم «ع» و بی بی حوا «رض» از بهشت بدنیا آورده شدند؟

٤ـ در صحیفه های حضرت آدم «ع»، راجع به پیغمبران چگونه نوشته بود؟

نصیحت

سقراط گفت: که هیچ گنجی به ز دانش نیست و هیچ دشمنی بدتر از خوی بد نیست و هیچ عزت بزرگوارتر از دانش نیست، و هیچ پیرایه بهتر از شرم نیست. پس چنان کن ای پسر که راه دانش آموختن را پیدا کنی، و در هر حال که باشی چنان باش که یک ساعت از تو در نگذرد تا دانش نیاموزی، چنانچه گفته اند: دانش از نادان بباید آموخت، از بهر آنکه هرگاه بچشم دل در نادان نگری و به عبارت عقلی بر وی نگری آنچه ترا از وی ناپسندیده آید دانی که نباید کرد، چنانچه سکندر گفت که: نه من منفعت از دوستان یابم بلکه از دشمنان نیز یابم، اگر در من فعل زشت بود دوستان

به موجب شفقت بپوشانند تا من ندانم، و دشمن به موجب دشمنی بگوید تا مرا معلوم شود، و آن فعل بد از خویشتن دور کنم. پس آن منفعت از دشمن یافته باشم نه از دوست».

و تو نیز آن دانش از نادان آموخته باشی نه از دانا. و بر مردم واجب است چه بر بزرگان و چه بر فروتران هنر و فرهنگ آموختن، که برفزونی بر همه همسران خویش به فضل و هنر توان کرد، و مردمان نیز ترا فزونتر دانند به فضل و هنر تو، چون مرد عاقل بیند که وی را فزونی نهادند بر همسران او، به فضل و هنر جهد کند تا فاضل تر و هنرمندتر شود.

«قابوسنامه»

معنی	لغات
زیور، زینت	پیرایه
بینائی و دانائی	بصارت
فایده	منفعت
کوشش	جهد
دانا	فاضل

مطالعه

مطالعه تاریکی های جهل و نادانی را از انسان دور میسازد. مطالعه انسانرا ازموضوعات و مفاهیم مختلف و ارزنده باخبر می سازد. به انسان آگاهی می بخشد تا صاحب فهم و دانش گردد.

مطالعه است که خوبیها را به انسان معرفی میکند. از برکت مطالعه انسان بینا و دانا گردیده وصاحب کمال می شود.

مطالعه قوت و نیروی دماغی انسان را انکشاف میدهد.

به کمک مطالعه انسان قادر میشود تا خوب وبد را از هم فرق کند. مطالعه به انسان درس میدهد تاهمیشه کار کند، زحمت بکشد و در بهتر ساختن امور دنیا و آخرت.

کوشش نماید. مطالعه انسان را به مسؤلیت های
زندگی آگاه می سازد و به انسان درس میدهد که
چگونه رفع مسؤلیت کند تا بداند مسؤلیت چیست و
مسؤل کیست، انسانها به کدام راه بروند، با یک دیگر
چه نوع ارتباط قایم سازند، و احتیاجات خود و دیگران
را چطور رفع نمایند.

مطالعه است که انسان را خدا شناس می سازد، و
ارتباطش را با خالق و آفریدگار حقیقی اش قائم میکند.
به کمک مطالعه، انسان این توانایی را می یابد که خداوند ج،
بزرگ را بشناسد، شریعت اسلام را بفهمد و مطابق آن
عمل نماید.

و هر شخص دیگری که خلاف شریعت اسلامی کاری

نماید ، او را هم نصیحت کند و به او راه خیر و شر را نشان بدهد و به کار های نیک او را تشویق نماید .

انسان در اثر مطالعه راه نیک بختی دنیا و آخرت را پیدا می کند .

چون دانستیم که مطالعه دارای خوبیها و مزایای زیاد است ، پس شما به حیث شاگردان مکتب همیشه در هر جا و هر وقت عادت مطالعه را در خویش رشد دهید ، کوشش کنید کتابهای خوب و مفید را که در دنیا و آخرت به درد شما بخورد پیدا کنید ، آنرا مطالعه کنید و رهنمودهای آنرا سرمشق زندگی خود سازید .

لغات	معنیٰ
۱۳ ۔ صاحب	یار، ہمصحبت
۱۴ ۔ حلم	صبر، بردباری
۱۵ ۔ باب مدینہ	دروازہ شہر
۱۶ ۔ خیرالناس	بہترین مردم
۱۷ ۔ عم	کاکا
۱۸ ۔ درود	دُعا

اللّٰهُ اَکبَر اللّٰهُ اَکبَر لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکبَر اللّٰهُ اَکبَر وَلِلّٰهِ الحَمد.

الله اکبر

الله اکبر شعار اسلام وسلاح ظفرمندی مجاهدین قهرمان است.

الله اکبر شعار سنگرداران راه حق و حقیقت است.

الله اکبر در دل کفار ترس و وحشت ایجاد مینماید.

همیشه این نعره هیبت ناک ازگلوی پاک عاشقان خداوند متعال و مجاهدین سربکف افغانستان بیرون می شود، و دشمنان اسلام از شنیدن این نعره ملکوتی زبون شده.

قلب ناپاک آنها به لرزه می افتد. زمانیکه روس ها
باهمه وسایل جنگی خود بالای افغانستان مسلمان-
تجاوز کردند، و مردم خداپرست ما با دست های خالی
وایمان کامل به خداوند ج، علیه روس های متجاوز و-
نوکران پست شان قیام کردند، ویگانه سلاحیکه نیروی
مجاهدین را قوی و روحیه دشمنان اسلام را ضعیف
ساخت، همانا نعره الله اکبر بود.

الله اکبر است که تمام پلان های جنگی و وسایل
حربی دشمن خدا ناشناس را نابود می سازد و سبب پیروزی
مجاهدین راه اسلام می شود. همیشه مجاهدین قهرمان-
افغانستان توکل و عقیده محکم خویش را به الله اکبر کرده اند
و به پیروی از این طریقه به صف دشمن ملحد حمله برده و در-

- هرکجائیکه روس ها و مزدوران شان (خلقی ها و پرچمی ها) این نعره آسمانی را بشنوند ، به شکست مرگبار روبرو میشوند .

پس از چند سال جنگ خون اخگر برین جنرال ملحد میر لشکر
به فرعون کریملین نامه بنوشت که نتوان فتح کرد الله اکبر

معنی	لغات	معنی	لغات
آتش	۸ - اخگر	خداوند بزرگ است	۱ - الله اکبر
سرکرده لشکر	۹ - میرلشکر	کامیابی	۲ - ظفرمندی
پیروزی	۱۰ - فتح	آسمانی	۳ - ملکوتی
بلندترین	۱۱ - برین	بیچاره	۴ - زبون
کافر	۱۲ - ملحد	دست درازی	۵ - تجاوز
		ایستادند - بپاخاستن	۶ - قیام
		جمع وسیله - اسباب	۷ - وسایل

روش آن حضرت «ص» در جهاد

حضرت محمد «ص» ترجیح می دادند که برای جهاد در هنگام بامداد بیرون شوند، و یا اینکه بعد از زوال آفتاب بیرون روند، تا هوا از گرمی خود بکاهد.

حضرت محمد «ص» از یاران خویش بیعت می گرفتند، تا از اطاعت خداوند «ج» و رسول او «ص» سرکشی نکنند. آن حضرت «ص» از یاران خویش در اکثر کارها مشوره میگرفتند. وقتیکه عازم سنگر جهاد می شدند، در طول راه گاهی به عقب لشکر میرفتند، تا با کسی که از دیگران عقب مانده کمک کنند، در رفتار به نرمش راه میرفتند، وقتیکه به رفتن جهاد عزم میکردند، از مدینه منوره به سمت دیگری.

بیرون می شدند تا مقصد شان از دشمن پوشیده بماند و در راه اگر با جاسوس کفار روبرو می شدند، از وی راهی را می پرسیدند که مقصود شان رفتن به آنجا نمی بود، تا از یکطرف دروغ نگفته و از طرف دیگر دشمن را اغفال نمایند. حضرت محمد (ص) قبل از آغاز جنگ با یاران خود دعا میکردند و مغفرت می طلبیدند و نام خداوند (ج) را بسیار یاد مینمودند، در جنگ خندق این دعا را خوانده اند:

اَللّٰهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ سَرِيْعَ الْحِسَابِ، اَللّٰهُمَّ اهْزِمِ الْاَحْزَابَ اَللّٰهُمَّ اهْزِمْهُمْ وَ زَلْزِلْهُمْ.

ترجمه: ای بار خدایا! فرستنده کتاب محاسبه کننده سریع. ای بار خدایا! شکست ده احزاب (۱) را ای بار خدایا! شکست ده آنها را و متزلزل (۲) گردان آنها را. « متفق علیه »

---

(۱) احزاب جمع حزب مراد از احزاب در این حدیث شریف گروه های کفار است. (۲) متزلزل: مضطرب و غیر ثابت.

اندرزها

راست ترین گفتار ها کتاب خداوند ج است .

بهترین ملت ها ملت ابراهیم علیه السلام است .

نیکوترین سنتها سنت محمد صلی الله علیه وسلم است .

شریف ترین سخنان ذکر خداوند بزرگ است .

نیکوترین رهنما حضرت محمد مصطفی (ص) است .

شریف ترین مرگ ها شهادت است .

بهترین علم ها علم شریعت است .

بدترین کوری ، کوری دل است .

دولت کم که انسان را قانع کند از دولت بسیاری که باعث طغیان او شود بهتر است .

بدترین عذر هنگام مرگ است و بدترین پشیمانی در قیامت است.

بعضی مردمان خدای بزرگ را عبادت میکنند. حال آنکه دل شان از خدا دور است.

نیکوترین توشه پرهیزگاری است.

دستور زبان دری

دستور زبان دری علم درست گفتن و درست نوشتن زبان دری است.

کلمات زبان دری مرکب از حروف هجا اند. برای اینکه حروف هجا را نیز بشناسیم لازم است تا تعداد آنرا که سی و دو حرف اند ذیلاً معرفی و تحریر نمائیم:

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی.

چار حرف آن ها پ، چ، ژ، گ در عربی استعمال نمی شوند و هشت حرف آن ها در زبان عربی بیشتر معمول اند

ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع . متباقی آن ها

میان اکثر زبان ها مشترک می باشند .

اسم : کلمه ایست که نام شخص یا نام چیزی باشد.

مثلاً انسان ، افغانستان وغیره .

اسم بدو قسم است اسم عام و اسم خاص .

اسم عام : آنست که تمام اشخاص یا اشیاء هم

جنس را شامل باشد . مثلاً مسجد - انسان - نبات . زیرا که

مسجد شامل تمام مساجد میگردد ، و انسان شامل تمام انسانها

است و همچنان نبات شامل همه نباتات می باشد .

اسم خاص : آنست که بر یک شخص یا یک چیز

معین دلالت کند . مثلاً حمید - کابل وغیره ، زیرا که حمید

به یک شخص معین و کابل به یک شهر معین دلالت میکند .

مفرد و جمع

مفرد : آنست که دلالت کند بر یک فرد و یا یک شی. مثلاً
کتاب، کاغذ، مرد، زن وغیره.

جمع : آنست که: به چند فرد و یا اشیاء دلالت کند.
مثلاً مردان، زنان، کتابها وغیره.

اسم بسیط و مرکب

اسم بسیط : آنست که یک کلمه باشد مثلاً درخت،
دشت، گل.

اسم مرکب : آنست که از دو کلمه یا بیشتر ساخته شده
باشد مثلاً باغبان، ریگستان، گلستان، کارخانه وغیره.

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن

بلکه کسی که آفرید آسمانها و زمین را و فرود آورده برای شما از آسمان آب را پس رویانیدیم به آن باغها را با رونق و تازگی که ممکن نبود

تُنبِتُوا شَجَرَهَا ءَإِلٰهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ۝٦٠

برای شما که برویانید درختان را، آیا معبودی شریک است به الله؟ نی بلکه

ایشان گروهی هستند که از راه راست کج میروند

خداشناسی

خداوند بزرگ جل جلاله برای انسان چشم داده است عقل داده است، تا ببیند، بسنجد، و نیک و بد را از هم فرق کند.

درین چشم و دماغ (منبع عقل)، ارتباطی موجود است، انسان وقتی اشیا را با چشم خود می بیند، تصویری از آنها در چشمش پیدا میگردد، درین حالت اعصاب چشم بدون درنگ موضوع را بدماغ —

صفت

کلمه ایست که حالت و چگونگی اسم را بیان نماید، مثلاً اگر بگوئیم پدر خوب، در این جا خوب صفت است و پدر اسم است.

ضمیر : کلمه ایست که جای اسم را بگیرد . مثلاً اگر بگوئیم محمود را دیدم، به او گفتم، «او» در ینجا ضمیر است و جای اسم را گرفته است که عبارت از «محمود» است

فعل : کلمه ایست که دلالت کند به صدور کاری در یکی از زمان های سه گانه، گذشته، آینده و حال.

مثلاً: رفتم ، میروم - خواهم رفت .

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

و بگو آمد دین حق و نابود شد دین باطل هرآئینه باطل نابود شوند است

در زندان ها چه می گذرد

حصهٔ اوّل

محمود فرزند کاکای حامد، دهقان بود. او در مدرسه درس میخواند به دروس خویش خیلی ها کوشش میکرد و به مضامین دینی علاقه زیاد داشت، همراه همصنفان خود روش خوب داشت، معلمین خود را احترام مینمود، به سخنان بزرگان گوش میداد، در کار های خانه با والدین خود کمک میکرد. او همیشه دوستان و هم صنفان خود را به نیکو کاری و جهاد در راه خداوند ج، تشویق می نمود

همینکه بدستور روس ها کودتای ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ -

بوقوع پیوست، بعد از چندی محمود دید که کمونیست ها و یاداران

شان همه روزه به کشتار مردم مسلمان افغانستان دست

زده، اموال و دارائی های عامه را چور و چپاول نموده و

علیه دین مقدس اسلام فعالیت می نمایند. با خود فکر

کرد تا جلو چنین اعمال ننگین ملحدین را چگونه بگیرد، بنابران

مردم مسلمان قریه خود را جمع کرد، ومیخواست تا چهره های

اصلی این دشمنان اسلام را برای شان معرفی کند

و مسلمانان را به جهاد مقدس علیه این ملحدین دعوت

نماید، همین بود که به اساس راپور جاسوسان بی دین توسط

نوکران زر خرید روس ها، دستگیر و زندانی شد.

بعد از یک مدت طولانی وی را جهت تکمیل دوسیه

درجریان تحقیق به زندان پلچرخی کابل انتقال دادند.
موصوف حین داخل شدن در زندان پلچرخی مشاهده
نمود که هزاران نفر مسلمان در عقب میله های زندان
تحت شکنجه کمونیست ها قرار دارند، رفتار ناجوان
مردانه ملحدین را تماشا میکرد با خود می اندیشید.
کمونیست ها بعد از مدت زمانی به تحقیق و تهدید وی
شروع کردند. درجریان تحقیق او میگفت من مسلمان
هستم و هیچ گناهی ندارم، ولی باآنهم ملحدین به لت
وکوب موصوف پرداخته و به دست های او ولچک
و به پاهای او زولانه انداخته، ساعت ها او را شکنجه
جسمی و روحی میدادند. بالاخره بعد از مدتی او را محکوم
به حبس دانسته، پس از جریانات تحقیق و تکمیل دوسیه

که بنام مسلمان بودن محکوم به حبس شناخته شده بود، اورا دوباره به ولایت مربوطه اش سلسلتاً اعزام کردند تا مدت حبس خود را در زندان سپری نماید . درحالیکه تمام مردم قریه سلاح برداشته جهاد خود را علیه - کمونیست ها آغاز کرده بودند، خبر شدند که برادر قهرمان شان محمود را محکوم به حبس کرده، از زندان پلچرخی دوباره به بندی خانه ولایتی آورده اند .

معنی	لغات	شماره
جمع مضمون	مضامین	۱-
شرم آور	ننگین	۲-
خدا ناشناس	کمونیست	۳-
تماشا	مشاهده	٤-

حصهٔ دوم

قوماندانان دلیر مجاهدین همه یکجا شده نقشه آزاد -
ساختن مسلمانان محبوس را از بندی خانه طرح و ترتیب
دادند. بعداً به اتحاد و اتفاق کامل همه مجاهدین در یک
وقت معین بالای بندی خانه حمله کرده زندان سیاه دشمن
را به آتش کشیده تمام مسلمانان را به شمول برادر محمود
آزاد ساختند. یکتعداد از ملحدین را به جهنم فرستاده چندمیل
سلاح و مقداری مهمات دشمن را به غنیمت گرفتند. و
مجاهدین بفضل و مرحمت خداوند ج، سلامت به قریه خود
برگشتند. مجاهدین از رهائی مسلمانان از بندی خانه کفار اظهاً
خوشی میکردند. برادر محمود دوباره همراه مجاهدین به قریه خود

آمده جریان وضع برادران مسلمان را در زندان های کمونیست ها به مجاهدین قصه کرده گفت :

کمونیست ها و باداران شان، این دشمنان آرامش مردم افغانستان، بی شرمانه در پی اذیت و آزار مؤمنین بر آمده و به عناوین مختلف مردم مسلمان ما را زندانی ساخته اند، در داخل زندان از روش های غیر انسانی کار گرفته به شکنجه های جسمی و روحی میپردازند، همه حقوق انسان را پایمال میکنند. او قصه کرد که مسلمانان را در اطاق های نمناک و تاریک انداخته و با استفاده از وسایل برقی و دیگر آلات شکنجه کننده بی حد تکلیف می دادند، وحتی بسیاری مسلمانان به اثر فشار لت وکوب بی رحمانه ملحدین جان های شیرین خود را از دست دادند، مسلمانان

را از پا آویزان کرده و برهنه روی برف استاده
می نمودند. یک تن از مجاهدین پرسید: برادر محمود!
ما خبر شدیم که کمونیست ها گوشت های بدن مسلمانان را
در زندان ها توسط امیور کنده و بالای زخم آنها نمک
می پاشند، آیا حقیقت دارد؟ او گفت: بلی حتیٰ آنها
مانند حیوان گوشت های بدن مسلمانان را به دندان های
کثیف خود نیز میکندند، ناخون های دست و پای شان
را می کشیدند. خلاصه هر نوع ظلم و ستم که باعث اذیت
بدن انسان شود انجام می دادند، ولی مسلمانان را
تسلیم نظریات خویش ساخته نتوانستند، روحیه مسلمانان
در داخل زندانها خیلی قوی بوده با وجودیکه بندی هستند،
مردانه وار در برابر شکنجه های ظالمان مقاومت نموده از

حقایق چشم نمی پوشیدند، بلکه خیانت و جنایت کمونیست ها را به رخ شان کشیده آنها را نفرین میکردند و یک نقشه عملیات را در داخل زندان پلچرخی ترتیب و یک بار دیگر ثابت ساختند که نیروی ایمان، هیچگاه تسلیم الحاد و زورگوئی نمی گردد .

شماره	لغات	معنی
۱	جهنم	دوزخ
۲ -	عناوین	جمع عنوان
۳-	اذیت	تکلیف دادن
٤ -	الحاد	کفر

حصهٔ سوم

او گفت : بتاریخ ۸ جوزا سال ۱۳۵۸ برادران مسلمان وسرسپرده گان راه اسلام، در داخل زندان پلچرخی برضد ملحدین قیام کردند. درین نبرد حق و باطل، مزدوران بی شرم روس ۱۳۵ تن از پروانه های مکتب توحید الهی را شهید کردند، برادر محمود علاوه نمود: باشهادت این برادران عزیز، محبوسین مسلمان در برابر چنین عمل ظالمان نفرت زیادی پیداکرده واین شعله راخاموش نگذاشتند، بلکه چند روز بعد بتاریخ ۱۴ جوزای همان سال، بار دیگر چهره های مؤمن علیه این روش ناجوان مردانه کمونیست های وحشی قیام کردند که منجر

انتقال می دهد و دماغ به بسیار فعالیت در چگونگی و کیفیت شی فکر و کنجکاوی می کند ، بالآخره انسان بواسطهٔ عقل چیزی را که چشم دیده بود می فهمد که چه شکل دارد و دارای چه رنگ است و در چه کاری از آن استفاده میشود ، عقل سالم در پیدایش آن و خالق آن نیز فکر میکند و خداوند جل الله را می شناسد ، پس هر انسان نظر به این عقل بزرگ که خداوند ج، برایش ارزانی نموده باید در پیدایش خود و در پیدایش کائنات از قدرت عقل خود کار بگیرد ، فکر کند و خداوند ج، را بشناسد و ثنا گوید .

اولاً ببینید که انسان چه اعضاء دارد و هر کدام چه وظیفه ای را انجام می دهد ، و خالق آنها کیست ؟ بعداً جهان را مشاهده کنید که آسمان ها با آن عظمت و بزرگی چطور پیدا شده است ؟

آفتاب ، مهتاب ، ستاره های درخشان ، زمین ، آب ، باد ، باران و انواع میوه جات و همه اشیاء که بدور و پیش خود می بینید چگونه موجود گردیده اند !

- به‌شهادت ۴۰ تن دیگر از پیروان مکتب قرآن گردید. او قصه میکرد که همین طور صدها مسلمان را این غلامان حلقه بگوش کفار به اثر شکنجه های بی رحمانه در داخل زندان ها شهید کرده و از داخل زندان ها - شبانه مسلمانان را بیرون نموده، در زیر زنجیر بلدوزر ها نقش زمین ساخته و تعداد زیادی را زنده زیر خاک نموده شهید میکردند.

« روح شهدا راه اسلام شاد و یادشان گرامی باد »

مجاهدین همه این قصه های غم انگیز و رفتار وحشیانه جلادان تشنه به خون مردم مسلمان افغانستان را

یشنیدند، با وجودیکه خیلی ها غمگین به نظر میرسیدند،
برادر محمود برای آنها یاد آوری کرد که ما و شما یک
بار دیگر تعهد میکنیم که بیاری خداوند ج، تا آخرین
لحظهٔ زندگی علیه ظالمان متجاوز و مزدوران -
شان به جهاد خود دوام داده و در زیر لوای محمدی (ص)
تحت شعار کفر شکن اسلام (الله اکبر) دست
بدست هم داده، تا آزادی افغانستان و پیروزی
انقلاب اسلامی جهاد می کنیم، آماده هر نوع -
قربانی برای حفظ عزت اسلام و دفاع وطن
محبوب خود هستیم، و انشاالله حق بر باطل پیروز
است. برادر محمود در آخر یاد آور شد: دور نیست
اینکه تمام برادران مسلمان ما که در زندان های

. سپاه دشمن محبوس شده اندمارها و دشمنان اسلام رسواء و به جزا اعمال ننگین شان برسند.

، والسلام ،

شماره	لغات	معنا
۱	ملحدین	جمع ملحد - بی دین
۲	کمونیست	خدا ناشناس
۳	وحشی	درنده
٤	شکنجه	عذاب
۵	جلادان	جمع جلاد آدم کش
٦	لواء	بیرق

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلّی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد.

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با در نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و درعین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد.

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضأی خداوند (ج) می باشد.

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيق))

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلّی اسلامی درجامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با درنظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و درعین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان براساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) می باشد .

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيق))

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلّی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد .

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طور دایم و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با در نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و در عین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد .

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضأی خداوند (ج) می باشد .

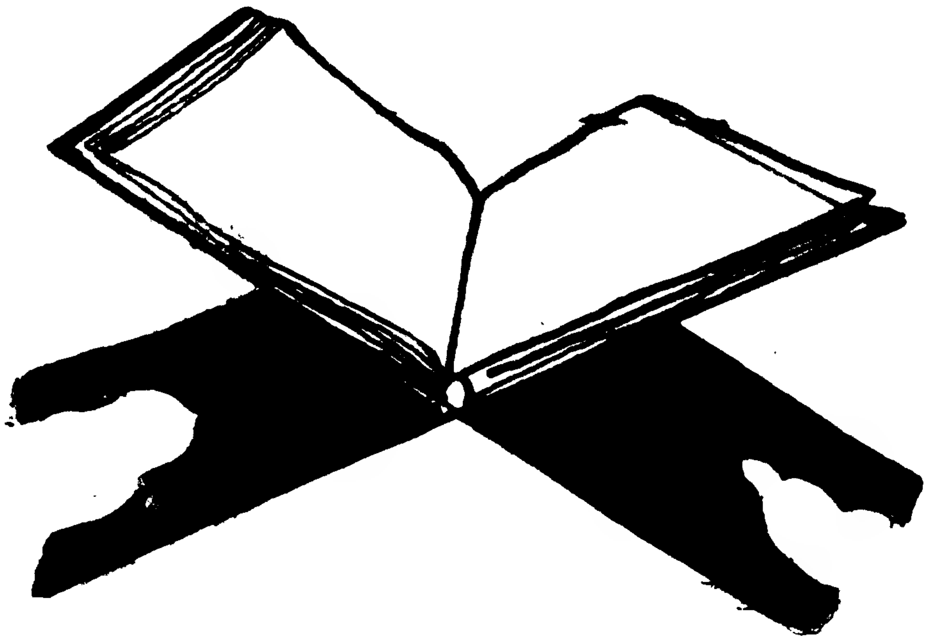
((وَمِنَ اللهِ التَّوفِیق))

کیست که آنها را خلق کرده و بوجود آورده؟ پس به این وسیله درک میکنید که خالق همه اشیاء خداوند جل جلاله است، ازاینجا است که حضرت خداوند (ج) بندگان خود را در بسیاری از آیات قرآن کریم فرمان می دهد که در مورد خود و خلقت جهان فکر کنند، و آثار و علامات قدرت های او تعالی را مشاهده نمایند.

معنیٰ	لغات	معنیٰ	لغات
صحت مند	۵ـ سالم	صورت	۱ـ تصویر
توانائی	٦ـ استعداد	توقف وایستادن	۲ـ درنگ
فهمیدن ودریافتن	۷ـ درک	نقل دادن	۳ـ انتقال
		سعی وکوشش	٤ـ فعالیت

نوت :ـ علاوه برقدرت های خداوند جل جلاله که درین درس ذکر شد شاگردان نیز فکر نموده، دیگر آثار و قدرتهای خداوند (ج) را بزبان خود بیان نمایند.

قرآن شریف



قرآن نور درخشنده و روشنی تابنده و فرمانی است که حق و باطل را از هم جدا میکند، شبهه را از میان برداشته مردم را از روی منطق براه راست هدایت میکند.

قرآن در میان شما ناطقی است که زبانش خسته نمیشود، قصری است که ستون هایش خلل نپذیرد. پیروزمندی است که پیروانش را شکستی نیست پس بدانید که قرآن پند دهنده ایست خیرخواه، سخن گوئیست راستین هیچ کس با- این کتاب مقدس آشنا نشد مگر آن که هدایت اش فزونی یافت، و از نادانی نجات حاصل کرد. بدانید که از قرآن بی نیازی نیست و به کتاب دیگر غیر از قرآن- نیازی نیست پس داروی درد های خود را از قرآن بخواهید و در رفع منازعات خود از آن کمک گیرید، چون قرآن برای همه درد ها یعنی کفر- تباهی- نفاق و گمراهی

بی شائبه مینمایند

بعد از بحث و مشوره متخصصین نصاب تعلیمی در مورد تهیه کتب درسی مضامین مختلفه به این نتیجه رسیدند که نظر به شرایط دشوار جهادی و عدم وقت کافی کتب درسی مضامین مختلفه دو اتحاد اسلامی را که قبلاطرف استفاده بود باهم مقایسه و مطالب اهم آنرابا در نظر داشت دشوار ی قید زمان تدریس در عالم مجاهدت و مهاجرت انتخاب نمایند.

لذا مدیریت نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان مسرت دارد که موقع یافت تا تمام کتب مضامین مختلفه درسی تنظیم های جهادی را که از طریق نصابهای تعلیمی مختلفه طبع شده بود مقایسه نمود. مطالب وعناوینی را که از نقطه نظرسطح دانش فهم شاگران و شرایط جهادی از نگاه تعلیم وتربیه سهل تر و آموزنده تر بود انتخاب و در معرض چاپ قرارداد.

والسلام مع الاکرام

مدیریت نصاب تعلیمی اداره مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	شماره
۳۰	بی بی سمیة «رض»	۱۳-
۳۵	شهید کیست	۱٤-
۳۸	هفت ثور ۱۳۵۷	۱۵-
٤۱	هدایات سودمند	۱٦-
٤٤	وطن ! سلام بتو	۱۷-
٤۹	حکایت	۱۸-
۵۱	حضرت آدم «ع»	۱۹-
۵۵	نصیحت	۲۰-
۵۷	مطالعه	۲۱-
٦۰	الله اکبر	۲۲-
٦۳	روش آن حضرت «ص» در جهاد	۲۳-
٦۵	اندرزها	۲٤-
٦۷	دستور زبان دری	۲۵-

شماره	عنوان	صفحه

قرائت دری

برای صنف ششم

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

رَبِّ زِدْنِیْ عِلْمًا

قَالَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

رَضِيْتُ

راضی هستم

بِاللّٰهِ رَبًّا وَّ

که الله پروردگار ما است و

بِالْإِسْلَامِ دِيْنًا وَّ

اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَّبِيًّا وَّرَسُوْلًا

محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله الکریم
یرفع الله الذین امنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات
جز (۲۸) سوره مجادله آیه (۱)

ترجمه: خداوند(ج) بلند میسازد درجات ایمان داران را از شما وکسانی را که به ایشان دانش روزی گردانیده است .

ازفحوای آیه کریمه استنباط میشود که هیچ نوع کیفیات حسنه برجسته وبالاتر از علم ودانش وجود ندارد. اهمیت تعلیم وتربیه در دین مقدس اسلام بحدی است که اولین کلمات وحی سماوی (اقرا باسم ربک الذی خلق) میباشد بهین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری اسلامی، اقتصاد، سیاست، عبادات، اخلاقیات، وحقوق بشری درلابلای تعلیم وتربیه قرآنی موضوعاتیست که در راس همه مسائل قرار میگیرد.

ما ریروان راه وحدانیت در دشوار ترین شرایط هجرت زمینه و امکانات آموزش اسلامی را بلطف خداوند (ج) طوری مساعدخواهیم ساخت که در راه حصول رضای رب الارباب هیچ نوع قدرتی درمقابل تصمیم واراده مقدس وخلل ناپذیر و فولادین ماسد شده نخواهد توانست. تمام اعمال وحشیانه و غیر انسانی کمونیزم بی هدف ازقبیل قتل عام، زنده به گورکردن چور وچپاول به آتش کشیدن مزارع وخانه ها تخریب وانهدام مساجد شریف مدارس واماکن مقدسه استعمال گازات سمی و پروپاگند های شباروزی در مملکت عزیزما افغانستان فقط و فقط علل تأخیر در تعمیل تصمیم گیریهای ماست وبس.
ملت مسلمان افغانستان که متمسکین حبل المتین و متعهدین کلام ربانیست دریای خشم انزجارشان.

هنوزهم متلاطم گردیده و بتأسی از دستورات رب‌العزت که ارشاد فرموده (وجاهدوافی الله حق جهاده آیه ۷۸ سوره حج) یعنی جهاد کنید برای خداوند (ج) طوریکه شایسته اوست. جهاد حق علیه باطل را در پرتو ارشادات عالی تعالیم اسلام ادامه دهیم ومشعل فروزان دانش اسلامی را در مسله جهاد علمی و مسلحانه تقویه نمائیم.

هموطنان عزیز شما مسبوق هستید که شاگردان عرفان اسلام از دونوع کتب مربوط دو اتحاد اسلامی قبلی مستفید بودند رهبران محترم تمام تنظیم ها به منظور جلو گیری از تشتت افکار فرزندان مجاهدین علم دوست و سربکف افغانستان درین او اخر به مسئولین تعلیم و تربیه مربوطه خود صلاحیت و هدایت دادند تا از تمام مضامین و علوم شامل نصاب تعلیمی برای صنوف مختلف یک نوع کتب طبع و به دسترس فرزندان مجاهدین ومهاجرین قرار بدهند که از نظر محتوا و مفهوم به دین مقدس اسلام شریعت غرّای محمدی و مذهب مهذب حنفی مغایریت نداشته و مورد قبول تمام اقشار مجاهد و مهاجر مسلمان افغانستان عزیز باشد.

به این اساس شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه تشکیل گردید و مورد تائید همه رهبران محترم قرار گرفت.

شورای عالی هم آهنگی تعلیم و تربیه مذکور اداره مرکز تعلیمی افغانستان را تأسیس نموده که دارای شعبات ذیل (مدیریت نصاب تعلیمی، مدیریت تدریسی و نظارات، مدیریت پلان، و ارتباط خارجی، مدیریت اجرئیه، مدیریت مالی، مدیریت تربیه معلم، و مدیریت سواد آموزی) میباشد.

منسوبین این مرکز را متخصصین تعلیم و تربیه و اشخاص مجرب از تمام تنظیم های جهادی تشکیل میدهدکه مجدانه و متحدانه در مورد پیاده کردن تعلیم و تربیه اسلامی و توحید نمودن نصاب تعلیمی سعی و مجاهدت